پرونده
خصوصی‌سازی پرسپولیس و استقلال

رضا دهشیری | جوان

نگاهی به خصوصی‌سازی پرسپولیس و استقلال در گفت‌وگوی «جوان» با امیررضا خادم

واگذاری سرخابی‌ها امکانپذیر نیست

گفت‌وگو
دنیا حیدری

امیررضا خادم، نماینده تام‌الاختیار وزیر ورزش و جوانان (گودرزی) در پرونده واگذاری تیم‌های استقلال و پرسپولیس بود. پرونده‌ای که در زمان او بیش از هر زمان دیگری تا آستانه واگذاری دو باشگاه پیش رفت، اما مثل همیشه به سرانجام نرسید تا خادم به‌عنوان کسی که از نزدیک دستی بر آتش داشت تأکید کند که خصوصی‌سازی پرسپولیس و استقلال نه شدنی و نه به نفع این دو باشگاه است.

سال‌هاست که مردم و رسانه‌ها بر این باورند که واگذاری استقلال و پرسپولیس به بخش خصوصی تنها شعاری تبلیغاتی است و هرگز همتی برای خصوصی‌سازی این دو باشگاه نبوده و حالا معاون سابق وزیر ورزش که خود از نزدیک پرونده این دو باشگاه را دنبال می‌کرد، می‌گوید استقلال و پرسپولیس قابل واگذاری نیستند.

بله، واگذاری این دو باشگاه به فرد حقیقی یا حقوقی مشخص هیچ وقت شدنی نیست. ما تا آخر این داستان رفتیم و دیدیم که این کار شدنی نیست. خریداران این دو باشگاه امکان اداره آنها را ندارند و دولت نمی‌تواند به این خریداران برای واگذاری سرخابی‌ها اعتماد کند و این از تصمیمات وزارت ورزش خارج است. وگرنه ما مزایده که گذاشتیم و پاکت‌ها را هم باز کردیم، اما صلاحیت خریدار تأیید نشد و چه بسا اگر پرسپولیس واگذار شده بود، امروز با مشکلات بیشتری دست به گریبان بود.

پس یعنی بحث واگذاری این دو باشگاه به بخش خصوص به طور کامل منتفی است و آنچه امروز می‌بینیم جز یک بازی نیست؟

خیر، می‌توان استقلال و پرسپولیس را به بخش خصوصی واگذار کرد. مثلاً واگذاری به یک ارگان یا شرکت خصولتی مثل شرکت‌های اتومبیل‌سازی یا مخابرات شدنی است که از یک قدمت و پشتوانه قابل اتکا برخوردار هستند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم نظارت حاکمیتی روی آنهاست. هر چند که این مسئله به این بستگی دارد که دولت علاقه‌ای به انجام این کار داشته باشد یا خیر؛ شکل دیگر واگذاری نیز می‌تواند از طریق فرابورس باشد. برای ورود استقلال و پرسپولیس به بورس به دلیل داشتن بدهی و نداشتن صورت‌های مالی مشخص با مشکلات جدی مواجه هستند، اما برای حضور در فرابورس زیان‌ده بودن یا داشتن بدهی‌های مالی و عدم داشتن صورت‌های مالی مشخص ملاک نیست و به همین دلیل امکان این نوع واگذاری وجود دارد.

یکی از دغدغه‌هایی که در خصوص واگذاری این دو تیم به بخش خصوصی وجود دارد، سرنوشت تأسف‌بار تیم‌هایی چون راه‌آهن و ابومسلم است که با واگذاری به بخش خصوصی تقریباً نابود شدند. آن هم در حالی که تیم‌های باسابقه و پرطرفداری بودند.

خب آن زمان یکی از نگرانی‌های ما هم شرایطی بود که برای دو باشگاه مردمی ابومسلم و راه‌آهن پیش آمده بود، اما خب راه‌آهن و ابومسلم به فرد واگذار شده بودند و به بورس یا فرابورس نرفته بودند و یکی از دلایلی هم که آن سال با وجود طی شدن همه مراحل این پرونده به سرانجام نرسید و استقلال و پرسپولیس به بخش خصوصی واگذار نشدند، همین بود. آن زمان بحث فرابورس مطرح نبود و فقط بحث واگذاری به فرد حقیقی یا حقوقی بود. به همین دلیل حتی پاکت‌ها هم باز شد. استقلال که البته خریداری نداشت، اما خریدار پرسپولیس هم مورد تأیید قرار نگرفت و دو تیم واگذار نشدند و الان هم به همین دلیل است که باید یا یک خریدار با پشتوانه مشخص پا پیش بگذارد یا دو تیم از طریق فرابورس واگذار شوند تا احتمال لطمه خوردن این دو تیم تا اندازه زیادی کاهش پیدا کند و اگر هم مشکلی پیش بیاید دولت بتواند آن را جمع کند.

یکی از بحث‌های مهم در خصوص قیمت‌گذاری این دو باشگاه است. چه کسانی و بر چه اساسی این قیمت‌گذاری را انجام می‌دهند؟

قیمت‌گذاری را سازمان خصوصی‌سازی انجام می‌دهد. اگرچه من همان زمان هم گفتم قیمتی که روی این دو باشگاه گذاشته‌اند، منطقی نیست و این مسئله می‌توانست باعث شود تا خریداران بابت غیرواقعی بودن قیمت شکایت کنند و بدون پرداخت این اعداد و ارقام صاحب این دو باشگاه شوند. به هر شکل اما شورای واگذاری سازمان خصوصی‌سازی که زیرمجموعه وزارت اقتصاد بود و همه افراد خبره و همه اقتصادی و نمایندگان مردم در آن هستند، قیمت‌ها را تأیید کردند. ولی خب قیمت تعیین شده به نظر من واقعی نبود، اما در هر صورت بحث قیمت‌گذاری را سازمان خصوصی‌سازی و بحث صلاحیت‌ها را ارگان‌ها و نهادهای امنیتی وزارت ورزش انجام می‌دهند.

با توجه به اهمیت این دو باشگاه فکر می‌کنید نیازی به گذاشتن شرط و شروط برای خریداران است؟

شرط و شروط الان مصوبه مجلس است که به دنبال واگذاری دو تیم از طریق فرابورس است که آن هم به هر حال شرط و شروط و نظارت‌های خاص خودش را دارد، اما بی‌شک بدون نظارت و شرط و شروط این دو باشگاه را واگذار نمی‌کنند؛ چراکه سرانجام این دو باشگاه نیز اهمیت بسیاری دارد.

فکر می‌کنید بعد از دو دهه حقیقتاً استقلال و پرسپولیس به بخش خصوصی واگذار شوند؟

خب امکان واگذاری دو تیم از طریق فرابورس وجود دارد و با توجه به اینکه دولت روی این خط افتاده که شرکت‌هایش را وارد بورس و فرابورس کند و تمایل و استقبال خیلی جدی هم در این زمینه دیده می‌شود، واگذاری سرخابی‌ها به بخش خصوصی از طریق فرابورس قابلیت اجرایی دارد.

فراهم نبودن زیرساخت‌های لازم از جمله حق پخش، کپی‌رایت و تبلیغات محیطی، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها در زمینه خصوصی‌سازی استقلال و پرسپولیس است. به همین دلیل الان می‌توان با تیم‌ها به دلیل دولتی بودن به توافقاتی رسید، اما به هر حال فرابورس هم مالکیتی دارد و می‌تواند بابت حق و حقوقی چون حق پخش مشکلاتی ایجاد شود.

اگر همه چیز در مسیر خودش طی شود و چارچوب منطقی اقتصادی خودش را بگیرد، این موضوع شدنی است، اما مسئله حائز اهمیت این است که حق پخش سازوکار خودش را دارد و اینطور نیست که ما وقتی از حق پخش حرف می‌زنیم تنها ۱۶ تیم حاضر در لیگ برتر فوتبال مدنظرمان باشد. صدا و سیما مدعی است بیش از ۶۰ رشته ورزشی را بدون گرفتن پول ساپورت می‌کند و علاوه بر آن پرداختی هم به فوتبال دارد، اما اگر بحث حق پخش آنطور که باید عملی شود، دیگر صدا و سیما تمایلی به پخش دیگر رشته‌ها ندارد و به همان پخش فوتبال داخلی و خارجی بسنده می‌کند و وقتی برایش منفعت مالی نداشته باشد، سراغ رشته‌های دیگر نمی‌رود. پس داستان حق پخش به آن سادگی که ما تصورش را می‌کنیم، نیست.

اما این حق طبیعی فوتبال و ورزش مخصوصاً در باشگاه‌داری خصوصی است.

بله و به همین دلیل هم است که می‌گویم اگر همه چیز سیر طبیعی و منطقی خودش را طی کند، خیلی از مشکلات حل می‌شود، اما در حال حاضر از آنجایی که اقتصاد کشور ما خیلی شفاف نیست و دولت کل اقتصاد را در دست دارد؛ در این چارچوب‌بندی‌ها مشکلات خودش را دارد و هرگز هم اصولی به آن رسیدگی نشده است تا حصل و فصل شود و هر وقت هم حرفی زده شده در حد شعار بوده و توقع و انتظار ایجاد کرده است و کسی ننشسته اصولی اوضاع را بررسی و مشکل را حل کند. به همین دلیل با وجود اینکه حق پخش حق مسلم تیم‌های باشگاهی و فوتبال است، نمی‌توان منکر این مسئله هم شد که فوتبال در ایران دولتی است و تیم‌ها و باشگاه‌ها هر کدام به شکلی مستقیم یا غیرمستقیم به دولت وصل هستند و مبالغی را از دولت می‌گیرند و در صورت دریافت حق پخش دیگر نباید این مبالغ را بگیرند، اما آیا حاضر به قطع این مبالغ و دریافت حق پخش هستند؟ اگر این اتفاق بیفتد که کاری اصولی است و همه چیز روی غلتک می‌افتد و حساب و کتاب‌ها مشخص می‌شود، اما باشگاه‌ها بدون تردید هم پول دولتی را می‌خواهند و هم حق پخش را که این شدنی نیست.

واگذاری سرخابی‌ها به بخش خصوصی می‌تواند باعث کم شدن دغدغه‌های وزارت ورزش شود و هزینه‌هایی که خرج این دو تیم می‌شد، می‌تواند در ورزش حرفه‌ای سرمایه‌گذاری و هزینه شود. این یک تصور عمومی و البته اشتباه است که وزارت ورزش به این دو باشگاه کمک ریالی می‌کند. البته قبلاً این اتفاق رخ می‌داد، اما تا جایی که می‌دانم در زمان ما سازوکاری تعریف شد که آنها درآمد خوبی داشتند. اینکه چطور هزینه‌اش کردند با توجه به اینکه یک‌سال مسئولیت داشتم، خبر ندارم، اما در کل دغدغه وزارت از اینکه بخواهد پاسخگوی برد و باخت آنها باشد، درست است کم می‌شود، اما در طول زمان این هم خیلی تغییری ایجاد نمی‌کند.

یادداشت

خصوصی‌سازی فوتبال محدود به سرخابی‌ها نشود

سعید احمدیان

وزیر ورزش قول داده است که تا آخر تابستان امسال ماجرای خصوصی‌سازی استقلال و پرسپولیس را به آخر خط برساند تا این دو تیم دولتی که بیشتر از دو دهه است برای واگذاری‌شان امروز و فردا می‌شود، سرانجام نخشان از دولت کنده شود و به بخش غیردولتی واگذار شوند. البته چنین وعده‌هایی در دوره‌های گذشته هم بارها توسط رؤسای سازمان تربیت بدنی و بعدش وزیران ورزش قبلی هم تکرار شده است که هیچ کدام به سرانجام نرسیده، اما این‌بار مسعود سلطانی‌فر مدعی است که طلسم خصوصی‌سازی سرخابی شکسته می‌شود و وعده‌ای که سال‌ها روی زمین مانده قرار است عملی شود. با توجه به سابقه قبلی چنین وعده‌هایی البته باید تا آخر تابستان که کمتر از سه ماه باقی مانده منتظر ماند که بالاخره دولت راضی می‌شود دو تیم را که هر کدام‌شان سالانه بیش از ۱۰۰ میلیارد خرج روی دستش می‌گذارد، از زیر چتر حمایتی‌اش خارج کند یا این‌بار هم قرار است وعده سلطانی‌فر به سرنوشت قبلی‌ها دچار شود.

با این حال در صورت واگذاری استقلال و پرسپولیس به بخش خصوصی مهم‌ترین نکته‌ای که باید مورد توجه قرار بگیرد، سرنوشت دیگر باشگاه‌های دولتی است. همانطور که در قانون مصوب مجلس شورای اسلامی آمده است، دولت حق باشگاه‌داری و هزینه در ورزش حرفه‌ای ندارد، قانونی که البته در بیش از دو دهه‌ای که از تصویب آن می‌گذرد، بارها به طرق مختلف از سوی دولتی‌ها دور خورده است و تنها نگاهی به تیم‌های حاضر به لیگ برتر فوتبال نشان می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد باشگاه‌ها برچسب دولتی دارند و از بودجه عمومی کشور تغذیه می‌کنند.

در چنین شرایطی نمی‌شود که دو باشگاه استقلال و پرسپولیس که وزارت ورزش را به‌عنوان مالک بالای سرشان می‌بینند تا چند ماه دیگر واگذار شوند، اما بقیه باشگاه‌هایی که دولت هزینه‌شان را تأمین می‌کند همچنان از بودجه عمومی کشور آن هم به صورت غیرقانونی ارتزاق کنند. اگر قرار به خصوصی‌سازی است دیگر باشگاه‌های دولتی هم باید شرایط واگذاری‌شان فراهم شود و وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت نفت به‌عنوان دو وزارتخانه‌ای که بیشترین تیم را در لیگ برتر فوتبال دارند، نیز باید مانند وزارت ورزش پروسه واگذاری تیم‌های تحت حمایت خودشان را آغاز کنند تا بودجه‌ای که در دولت صرف قراردادهای میلیاردی و البته بدون خروجی فوتبالی‌ها می‌شود، صرف هزینه در ورزش قهرمانی شود تا مانند امروز نشود که ورزشکاران منهای فوتبالی و المپیکی کشورمان از کوچک‌ترین امکانات نیز محروم هستند و کماندار کشورمان که سهمیه المپیک را گرفته یک کمان استاندارد هم برای تمرین ندارد.

البته در صورت عملی شدن خصوصی‌سازی استقلال و پرسپولیس و در ادامه سایر باشگاه‌های دولتی باید بسترهای لازم برای درآمدزایی این باشگاه‌ها مانند پرداخت حق پخش تلویزیونی، کپی‌رایت و... از سوی دولت فراهم شود تا بخش خصوصی واقعی برای باشگاه‌داری در فوتبال ترغیب شود و با توجه به صنعت پولساز فوتبال در دنیا، فرصت کسب درآمد برایش فراهم باشد.

نظر کارشناس

ابهامات زیاد آینده سرخابی‌ها را به خطر می‌اندازد

محمدحسین نژاد فلاح

واگذاری پرسپولیس و استقلال به بخش خصوصی به این راحتی نیست. پیش از این هم واگذاری چند باشگاه دیگر نتیجه مطلوبی نداشته است؛ به همین خاطر باید نگران اتفاقات بعدی بود. زیرساخت‌های خصوصی‌سازی باید به‌معنای واقعی فراهم شود. در تمام دنیا باشگاه‌ها کارهای اقتصادی و تجاری کلان انجام می‌دهند و کارخانه‌های بزرگ را در اختیار دارند، ولی در ایران کاملاً برعکس است. این کارخانه‌دارها هستند که تیم‌داری می‌کنند. فوتبال ما هنوز به‌عنوان یک صنعت به مرحله سودآوری و درآمدزایی نرسیده و این یک معضل بزرگ است. تیم‌های ریشه‌داری چون راه‌آهن و پاس کجا هستند؟ ابهامات زیادی وجود دارد؛ اگر سرخابی‌ها با همین شرایط واگذار شوند، چه تضمینی وجود دارد که این دو باشگاه هم به سرنوشت پاس و راه‌آهن دچار شوند؟ آیا قرار است سرخابی‌ها به یک فرد یا شرکت یا در قالب سهام خرد به هواداران و پیشکسوتان واگذار شوند؟ بحث مدیریت آنها چه می‌شود؟ این مسائل باید قبل از واگذاری به صورت شفاف مشخص شود و مردم بدانند چه آینده‌ای در انتظار پرسپولیس و استقلال خواهد بود. همین حالا هم صنایع بزرگ عملاً به بخش خصوصی واگذار نشده‌اند. فقط اسم‌شان تغییر کرده است! در حقیقت دولت با یک عنوان دیگر و از طریق یک نهاد و سازمان دیگری آنها را خریده است. در واقع باید اسمش را بازی با الفاظ گذاشت نه خصوصی‌سازی. اگر قبل از واگذاری زیرساخت‌ها مهیا نشود، باید نگران آینده بود و روزی که دیگر خبری از سرخابی‌ها نباشد.

مدیرعامل اسبق پرسپولیس

رهاسازی یا خصوصی‌سازی!

کاظم اولیایی

مشکل اساسی به نتیجه نرسیدن بحث خصوصی‌سازی سرخابی‌ها عدم آشنایی تصمیم‌گیرندگان از فضای فوتبال ایران است. نمایندگان مجلس باید قانونش را تصویب کنند و دولت نیز باید آن را به صورت لایحه از مجلس بخواهد. هم دولت و هم نمایندگان تخصص و آشنایی به ورزش روز را ندارند؛ به همین خاطر تصمیمات محیرالعقول می‌گیرند. متأسفانه دولت به ورزش و ورزش به سیاست آلوده شده‌اند. بحث خصوصی‌سازی بیش از ۳۰ است که در دستور کار قرار گرفته است. با روی کار آمدن دولت‌های مختلف این بحث از مسیر خود خارج شد و حتی امکاناتی که برای باشگاه استقلال فراهم شده بود را فروختند و بازیکن خریدند! بحث تجاری‌سازی انجام نشد. در ادوار مختلف مجلس نیز در این زمینه مطالعاتی انجام شد تا اینکه مرکز پژوهش‌های مجلس سال گذشته در خصوص مدل‌های مختلف خصوصی‌سازی و ظرفیت‌های موجود در کشور به یک جمع‌بندی رسید. چهار مدل واگذاری قانونی شامل مزایده، بورس، اجاره به شرط تملیک و مدیریت پیمان می‌شود و ظرفیت قانونی آنها نیز وجود دارد. مزایده به دلیل شرایط خاص کشور به مشکل برخورد و این مدل واگذاری ۱۰ سال وقت مردم را گرفت. بعد نوبت به بورس رسید؛ با وجود اصرار وزیر و برخی نمایندگان بورس هم به بن‌بست خواهد رسید. بنگاهی که وارد بورس می‌شود باید سودآور باشد و تراز مثبت داشته باشد، اما آقایان می‌خواهند این شرایط سوری را برای سرخابی‌ها به وجود بیاورند. این پروسه در واقع رهاسازی است نه خصوصی‌سازی! طبق ادعای آقایان، سرخابی‌ها هر کدام ۱۹۰ میلیارد تومان بدهی دارند. فقط می‌خواهند از این مسئله خلاص شوند و عواقبش را در نظر نمی‌گیرند.

مدیرعامل اسبق استقلال

گزارش

پروسه فرسایشی واگذاری استقلال و پرسپولیس تمامی ندارد

تا ۱۴۰۰ با کابوس خصوصی‌سازی؟!

شیوا نوروزی

پرونده خصوصی شدن دو باشگاه پرطرفدار فوتبال ایران همچنان باز است. سال‌هاست که خیلی‌ها با آب و تاب از واگذاری پرسپولیس و استقلال می‌گویند تا راحت‌تر به اهداف سیاسی، جناحی، اقتصادی و مدیریتی خود برسند، اما تاکنون هیچ‌کدام از وعده و وعیدها محقق نشده و بعید است که با شرایط اقتصادی موجود دولت روحانی هم بتواند این کابوس را تا ۱۴۰۰ به پایان برساند.

سه دهه تلاش

سال‌هاست که چالشی به نام واگذاری سرخابی‌های پایتخت به بخش خصوصی فوتبال و حتی ورزش کشور را مشغول کرده است. اولین تلاش‌ها برای کلید خوردن واگذاری این دو باشگاه به ۳۰ سال قبل برمی‌گردد، ولی احتمالاً شروع کنندگان این طرح تصور نمی‌کردند که اجرایی شدن آن بعد از سه دهه همچنان غیرممکن و رؤیایی باشد. با اینکه این دو باشگاه شناسنامه فوتبال این مرز و بوم محسوب می‌شوند، اما مشکلات مدیریت دولتی، فساد و بدهی‌های سنگین، مدت‌هاست که آژیر قرمز را برای آنها به صدا درآورده است. در حال حاضر سرخابی‌ها با کوهی از مشکلات مواجه هستند و تنها راه باقی مانده خصوصی‌سازی استقلال و پرسپولیس است. با اینکه استارت این کار چندین سال پیش زده شده است، ولی کماکان امیدی به اجرایی شدن این طرح وجود ندارد.

موانع زیاد

مسئولان در ادوار مختلف به‌زعم خود تلاش کردند تا بلکه قدمی در جهت تسریع واگذاری سرخابی‌ها بردارند. حال آنکه موانع زیادی در این راه وجود دارد و تا زمانی که همه آنها مرتفع نشود، مطرح کردن بحث خصوصی‌سازی عملاً جنبه تبلیغاتی و بازی با افکار عمومی دارد. اولین مانعی که باید از سر راه برداشته شود، این است که سرخابی‌ها باید سهامی عام باشند و نه خاص. البته به گفته صالح رئیس سازمان خصوصی‌سازی، قرمزها سهامی خاص هستند، ولی آبی‌ها کماکان سهامی عام محسوب می‌شوند. علاوه بر این برند هر دو تیم باید در سازمان مالکیت معنوی ثبت و ارزشگذاری شود؛ ضمن اینکه بحث انحصاری بودن لوگوی دو باشگاه نیز مطرح است. برطرف کردن ابهامات مالی دو باشگاه نکته دیگری است که در بحث خصوصی‌سازی باید رعایت شود. حال آنکه هم استقلال و هم پرسپولیس بدهی‌های سرسام‌آوری دارند که به این راحتی‌ها قابل پرداخت نیستند. تعیین تکلیف دارایی‌ها نیز نباید فراموش شود. قیمت‌گذاری دو باشگاه هم پروسه خاص خودش را دارد. جدا از این مسائل گویا برای اجرایی شدن بحث واگذاری سرخابی‌ها در بورس، هر دو باشگاه باید یک بیزینس پلن داشته باشند و برنامه سه ساله‌شان را ارائه کنند. تأیید اهلیت خریداران را نیز باید به موانع همیشگی این دو باشگاه دولتی افزود.

بی‌نتیجه مثل همیشه

حتی متعصب‌ترین هوادار دو تیم نیز دیگر می‌داند هر وقت حرف از خصوصی‌سازی زده می‌شود، نباید به آن دلخوش باشد؛ چراکه این بحث به امروز و دیروز خلاصه نمی‌شود و سال‌هاست که آقایان به ظاهر برای به سرانجام رسیدن موضوع عزمشان را جزم می‌کنند، ولی بعد از فرافکنی‌های زیاد از مهیا نبودن شرایط و زیرساخت‌های خصوصی‌سازی انتقاد می‌کنند. همین چند سال پیش با مزایده گذاشتن سرخابی‌ها بازی جدیدی به راه انداختند؛ از بهمن ۹۳ تا اردیبهشت ۹۴، چهار بار مزایده برگزار کردند و در آخرین مرحله آبی‌ها یک مشتری و سرخ‌ها سه مشتری داشتند. در آخر هم اعلام شد پیشنهادها مشکل داشته و اهلیت خریداران هم تأیید نشد!

ورود به بورس؟

سال گذشته نمایندگان مجلس، وزارت ورزش را مکلف کردند که با همکاری سازمان بورس و اوراق بهادار و سازمان خصوصی‌سازی تا پایان تابستان ۹۸ شرایط را برای پذیرش دو شرکت فرهنگی ورزشی پرسپولیس و استقلال در بازار فرابورس مهیا کنند. قرار شد بخشی از سهام آنها به صورت خرد عرضه شود. مدت زمان تعیین شده به پایان رسید و وزیر قول خصوصی‌سازی تا پایان سال ۹۸ را داد. منتها همانطور که انتظار می‌رفت هیچ کدام از دو باشگاه شرایط لازم را برای واگذاری از طریق فرابورس را نداشتند. آنجا بود که معلوم شد باز هم خبری از خصوصی‌سازی نیست و وزیر ورزش وعده شش ماه نخست سال ۹۹ را داد. با این حال هنوز خبری از مرتفع شدن موانع بسیار زیاد موجود نشده و با ادامه این شرایط وعده آقایان باز هم محقق نخواهد شد. واقعیت این است اوضاع مدیریتی و اقتصادی سرخابی‌ها به قدری پیچیده شده که بعید است عمر دولت دوازدهم به نتیجه رسیدن پروژه خصوصی‌سازی قد دهد.

بازتاب

سرنوشت راه‌آهن تکرار نشود

مانی سعیدی

خصوصی‌سازی دو باشگاه استقلال و پرسپولیس در شرایطی در سال‌جاری با وعده وزیر ورزش قرار است، عملی شود که مسئولان باید با اتخاذ تدابیر ویژه‌ای اجازه ندهند این دو تیم به سرنوشت دیگر باشگاه‌های دولتی که در دهه‌های اخیر خصوصی شده‌اند، دچار شوند. باشگاه پاس، پیکان، راه‌آهن و صبا باتری از جمله باشگاه‌های هستند که از اوایل دهه ۸۰ تا اواسط دهه ۹۰ از سوی بخش‌های نیروهای مسلح و دولت به بخش خصوصی واگذار شدند تا هزینه تیم‌داری از روی دوش‌شان برداشته شود. در این بین تیم‌هایی مانند پاس و راه‌آهن دو باشگاه ریشه‌دار در فوتبال کشورمان بودند که سابقه طولانی داشتند و تیم‌های پیکان و صبا هم با وجود سابقه کمترشان، اما از باشگاه‌های قابل احترام در فوتبال ایران بودند. در شرایطی این تیم‌ها به مرور واگذار شدند که حال با گذشت سال‌ها که از خصوصی شدن این باشگاه‌ها می‌گذرد، بیشتر این تیم‌ها عاقبت بخیر نشدند و با طی کردن یک مسیر نزولی، سال به سال از جایگاهی که در فوتبال کشورمان داشتند، فاصله گرفته‌اند و با خصوصی‌سازی روند نابودی‌شان آغاز شد. پاس به‌عنوان آخرین تیم ایرانی قهرمان در آسیا امروز در لیگ دسته دوم حضور دارد، راه‌آهن به‌عنوان باشگاهی که ۸۰ سال سابقه دارد، سال گذشته از لیگ دسته سوم هم کنار گذاشته شد، صبا باتری که به صبای قم تغییر نام داد، اکنون دیگر وجود خارجی ندارد، در این بین تنها پیکان بود که پس از واگذاری در سال ۸۷ به استان قزوین، در سال ۹۰ دوباره به مالکیت مجموعه ایران‌خودرو در تهران برگشت و هم‌اکنون در لیگ برتر حضور دارد.